

هر نقص عضوی

را نمی توان مشمول
ماده ۱۷۲ ق. م. ع. دانست

ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی ایران مقرر می دارد :
« هر کس عمداً بدیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب
قطع یا نقصان یا شکستن یا ازکار افتادن عضوی از اعضا و یا منتهی به
مرض دایمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه گردد ، از دو تا ده سال
بحبس مجرد محکوم خواهد گردید و در صورتی که منتهی بزوال عقل
گردد ، بحد اکثر مجازات محکوم خواهد شد . »



عنوان نقص عضو بدان صورت که ظاهر ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی
حاکی است ، دامنه ای بس وسیع دارد و هر گاه ظاهر این حکم بطور مطلق مورد قبول
و استناد قاضی جزایی واقع شود ، بطور قطع در مجازات جرایمی که بعنوان نقص عضو
زیر پیکرد قرار می گیرد ، **عدالت واقعی** مراعات نخواهد شد ؛ خاصه آنکه نقایص
ایجاد شده دارای شدت و ضعف و تأثیرات مختلف است که هر کدام بنحوی مؤثر در
بقا و ادامه زندگی انسان است . نه تنها از جنبه ظاهر ماده ۱۷۲ نامبرده و عدالت
واقعی ، بلکه همچنین از جنبه اجتماعی نیز در اجرای این ماده اشکالاتی موجود است .
نظر باینکه پرونده های متعددی در دادگاه های مرکز و بخصوص در مراکز استانها
بعنوان نقص عضو مطرح است که با استناد ماده فوق الذکر برای متهم و یا متهمین تقاضای
کیفر می شود ، ضرورت ایجاب می نماید دقتی در مصرحات ماده مزبور بعمل آید تا
در صورت تغییر و یا اصلاح مواد قانون مجازات عمومی اصلاح و رفع ابهام ماده مورد
بحث مطمح نظر صاحب نظران و اهل فن قرار گیرد :

با توجه بمتن ماده ۱۷۲ در ایراد جرح و ضرب هر عضو از اعضای بدن مجنی علیه که مورد ضرب و یا جرح قرار گیرد و بهر ترتیبی موجب نقص عضو و یا شکستگی گردد، مورد مشمول ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی خواهد بود.

البته بنظر حقیق مفهوم فوق يك **تعبیر ساده و سطحی** از مصراحت ماده بالاست؛ والا نظر با اهمیت اعضای مختلف بدن انسان و تأثیرات آنها در ادامه زندگی نایستی هر نقص عضو و یا شکستگی را مشمول ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی بدانیم. در غیر این صورت صرف نظر از اینکه شمول این ماده بر جمیع نواقص و شکستگی با عدالت جزایی مطلقاً مغایرت خواهد داشت، بنظر می رسد برخلاف روح ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی نیز باشد.

با ترقیات روزافزون روابط اجتماعی که موجبات برخورد و تماس افراد را بصورت های مختلف فراهم می نماید و همین امر اغلب منجر به پیش آمدهای ناگواری می شود و اجباراً ماده ۱۷۲ قانون مجازات مورد استناد قرار می گیرد، اجرای ظاهر ماده مورد بحث در بسیاری از مواد منشأ بی عدالتی و ناهم آهنگی در تعیین میزان مجازات آنها می گردد. پرونده های کثیری که متهم یا متهمین را مشمول ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی قرار داده، در محاکم، بخصوص در محاکم مراکز استانها روی هم انباشته است و اکثر بعثت اجبار در استفاده از ماده مورد بحث بعلمی معوق می ماند. مراجع تحقیق، دادرها و همچنین دادگاههای کیفری خود را مجبور می دانند که افتادن يك دندان یا مثلاً قطع يك بند انگشت دست یا یا را نقص عضو تلقی نمایند. و همچنین آرای صادر از شعب دیوان عالی کشور نیز افتادن يك دندان را نقص عضو و مورد را مشمول ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی دانسته اند.

مسئلاً اجرای مفاد ماده مورد بحث بشرحی که گذشت، در بسیاری از موارد مخالف حقوق انسانی و عدالت جزایی است و چنانچه دادرس جزایی بعنوانینی از موارد کیفیات مخففه برای تنزیل مجازات مجرم استفاده ننماید، چه بسا از نظر تعیین مجازات و اجرای عدالت اجتماعی و حفظ حقوق افراد اشکالات قضایی

و اجتماعی بروز خواهد نمود، زیرا اگر بخاطر اجرای عدالت و تعیین کیفر عادلانه برای مجرمین مثلاً فعل شکستگی يك دست یا يك پا را با افتادن يك دندان که بنظر محاکم مانقص عضو می باشد، در عرض هم بدانیم و باستناد ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی مشمول مجازات قرار دهیم، در چنین مواردی نه اینکه عدالت رعایت نشده، بلکه درجات عدیده ظالمانه نیز خواهد بود.

اصولاً ماده مورد بحث دارای نواقصی می باشد **طبقه بندی اعضای بدن** از نظر درجه اهمیت و مؤثر بودن آنها در زندگی فرد و تعیین مجازات برای هر کدام که نهایت ضرورت را دارد، در این ماده پیش بینی نشده و آرای صادر از شعبه دیوان عالی کشور نیز بر اشکالات ماده مزبور افزوده است.

اگر بخواهیم ماده ۱۷۲ قانون مجازات را مورد اصلاح و جرح و تعدیل قرار دهیم، بایستی باین نکته توجه شود:

اولاً اعضای بدن انسان از نظر مؤثر بودن بلحاظ از کار افتادگی و تأثیر و اهمیت آن در زندگی روزمره و ادامه حیات مورد نظر بوده و به نسبت درجه اهمیت و تأثیر اعضا برای انجام امور برای فاعل جرم مجازات تعیین گردد. فعلاً در موارد مبتلابه ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی اجرا می گردد. امکان دارد بهمین نحو سالها نیز مورد استناد و استفاده باشد. با استنباط صحیح از مفاد ماده مزبور می توان توجیه بهتر که بعدالت نزدیکتر باشد، بعمل آورد. بادقت در مفهوم و روح ماده ۱۷۲ دادرسان دادگاه قادر خواهند بود با استفاده از عمومات قانونی و کیفیات مخففه بطور عادلانه باستناد ماده مذکور مبادرت بصدور حکم نمایند. اگر در مرحله بازپرسی قاضی تحقیق مجوزی ندارد که فرضاً افتادن يك دندان را نقص عضو نداند و صادر کنندگان کیفر خواست برای تعیین مجازات چنین جرایمی در مفاد ظاهری قانون محدودیت دارند، دادرسانی که بامور کیفری رسیدگی می نمایند، تا اندازه ای فارغ از این محدودیت بوده می توانند در استنباط و تعیین مجازات و تطبیق آن با موارد مختلفه و شخصیت مجرمین با استفاده از ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی راه صلاح و صواب بیمایند. دادرسان

داد گاههای کیفری بایستی قبول فرمایند که فقدان يك دندان و انطباق عمل با ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی مطلقاً با عدالت جزایی مغایرت دارد و حتی استفاده از حداقل وحد اکثر استفاده از مجازات مندرج در ماده مورد بحث نیز کمکی با اجرای عدالت نمی تواند بنماید .

باقبول اصل فوق دادرس جزایی با توجه بنواقص ظاهری ماده ۱۷۲ ق.م.ع. آنرا بهتر استنباط و توجیه می کند. ضرب یا جرح باید موجب از کار افتادن عضو و یا فقدان یکی از حواس یا مرض یا نقص شود . بنابراین نقص عضو وقتی مصداق پیدا می کند که موجب از کار افتادگی یکی از اعضای بدن باشد . مسلماً نقص بدنی دامنه وسیعی می تواند داشته باشد ، ولی آنچه که مسلم است افتادگی يك دندان و اعضای نظیر آن مانع انجام کار روزانه نبوده و هیچگونه مرض و نقصی که موجب پیش آمد وضع مندرج در ماده مورد بحث باشد ، ایجاد نمی نماید . مضافاً اینکه چه بسیار از این قبیل نواقص با وسایل و تجهیزات پزشکی امروزه بنحو شایسته ای قابل ترمیم و جبران است .

بنابراین در اجرای ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی موضوع اصلی از کار افتادگی عضوی و تأثیر آن در زندگی روزمره باید مورد نظر قاضی باشد ، کما اینکه نظر شایسته اداره حقوقی وزارت دادگستری اخیراً اعلام شد، بدین شرح که **نقص زیبایی** که با وسایل امروزه قابل مرمت است، نقص عضو محسوب نمی شود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تازمانی که نسبت باصلاح قوانین اقدام نشده و معیار دقیقی برای سنجش اهمیت اعضای بدن انسانی در انجام امور روزانه در دست نیست، شایسته است که دیوانعالی کشور در آرای خود به سن مجنی علیه و اهمیت اعضای بدن و اینکه نقص موجوده تاچه حد قابل جبران می باشد، توجه فرموده بادر نظر گرفتن موارد قانونی اظهار نظر نماید تا بتدریج ملاک و مأخذی برای اتخاذ تصمیم داد گاهها و اجرای عدالت در این مورد ایجاد شود. از طرفی تا زمانی که موجبات قانونی

تحصیل و فراهم نگردیده، دادرسان داد گاهها در اعطای کیفیات مخففه و استفاده از قدرت قانونی خود در اجرای ماده مورد بحث آزادی بیشتری داشته و باید وسیعتری انشای رای نمایند که متضمن فایده اجتماعی و اجرای عدالت باشد. شرایط زمان و زندگی اجتماعی امروز اقتضا دارد، ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی مورد تدقیق و امعان نظر قرار گرفته با تعریف کامل و جامع نقص عضو و درجات آن در متن ماده مزبور تجدید نظر بعمل آید و بادر نظر گرفتن اهمیت اعضای انسانی و اینکه نقص تا چه حد با وسایل علمی و پزشکی قابل جبران و ترمیم است، برای مجرمین تعیین مجازات شود.



پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی